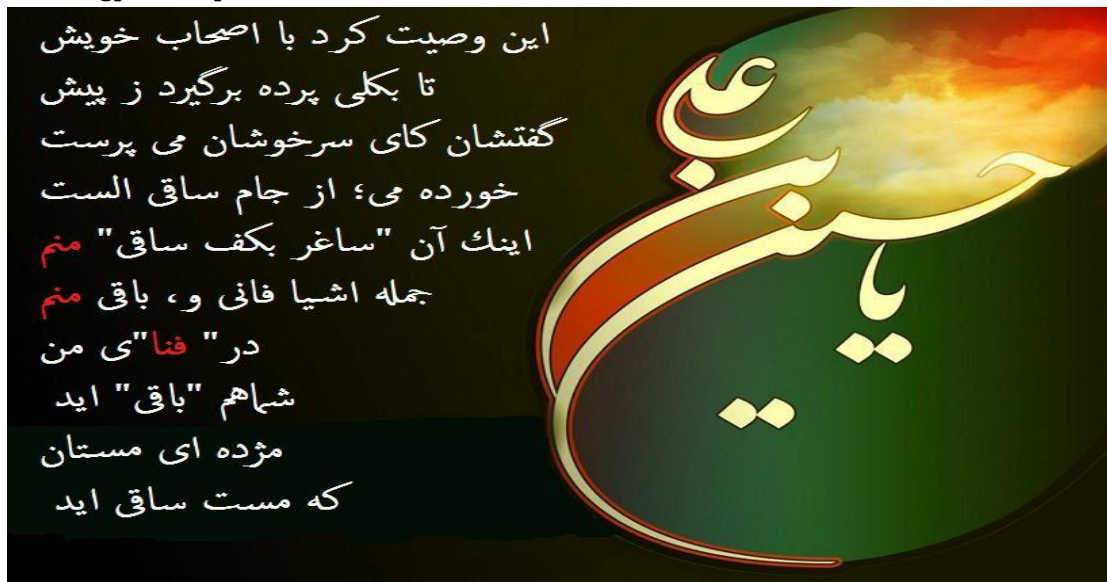


هوالشاهد

سلامت معنوی

تاریخ : مهرماه ۱۳۹۵
سال سوم شماره ۳۱
دفتر سلامت جمعیت ، خانواده و مدارس
اداره سلامت معنوی



ای زینب (س)

ای زبان علی در کام! با ملت خویش حرف بزن!

فرازهایی از خطبه حضرت زینب س در مجلس یزید

ای یزید آیا گمان می بری این که اطراف زمین و آفاق آسمان را بر ما تنگ گرفتی و راه چاره را بر ما بستی که ما را به مانند کنیزان به اسیری برند، ما نزد خدا خوار و تو سر بلند گشته و دارای مقام و منزلت شده ای؟، پس خود را بزرگ پنداشته به خود بالیدی، شادمان و مسرور گشتی که دیدی دنیا چند روزی به کام تو شده و کارها بر وفق مراد تو می چرخد و حکومتی که حق ما بود در اختیار تو قرار گرفته است، آرام باش، آهسته تر. آیا فراموش کرده ای قول خداوند متعال را «گمان نکنند آنان که کافر گشته اند این که ما آنها را مهلت می دهیم به نفع و خیر آنان است، بلکه ایشان را مهلت می دهیم تا گناه بیشتر کنند و آنان را عذابی باشد دردناک» بارالها بگیر حق ما را و انتقام بکش از هر که به ما ستم کرد و فرو فرست غضب خود را بر هر که خون ما ریخت و حامیان ما را کشت. ای یزید! به خدا سوگند نشکافتی مگر پوست خود را، و نبریدی مگر گوشت خود را و زود باشد که بر رسول خدا – صلی الله علیه و آله – وارد شوی در حالتی که بر دوش داشته باشی مسئولیت ریختن خون ذریه او را، و شکستن حرمت عترت و پاره تن او را، در هنگامی که خداوند جمع می کند پراکندگی ایشان را، و می گیرد

حق ایشان را «و گمان مبر آنان را که در راه خدا کشته شدند مردگانند، بلکه ایشان زنده اند و نزد پروردگار خود روزی می خورند.» و کافی است تو را خداوند از جهت داوری و کافی است محمد – صلی الله علیه و آله – تو را برای مخاصمت و جبرئیل برای یاری او و معاونت او.

و بزودی آن کس که کار حکومت تو را فراهم ساخت و تو را بر گردن مسلمانان سوار نمود، بداند که پاداش ستمکاران بد است و در یابد که مقام کدام یک از شما بدتر و یاور او ضعیف تر است. و اگر مصایب روزگار مرا بر آن داشت که با تو مخاطبه و تکلم کنم ولی بدان قدر تو را کم می کنم و سرزنش تو را عظیم و توبیخ تو را بسیار می شمارم، این جزع و بی تابی که می بینی نه از ترس قدرت و هیبت توست، لکن چشمها گریان و سینه ها سوزان است.

چه سخت و دشوار است که نجیبانی که لشکر خداوندند به دست طلقاء (آزاد شدگان) که حزب شیطانند، کشته گردند و خون ما از دستهایشان بریزد، و دهان ایشان از گوشت ما بدو شد و آن جسد های پاک و پاکیزه را گرگهای بیابان سرکشی کنند، و گفتارها در خاک بغلطانند (کنایه از غربت و بی کسی آنها). ای یزید! اگر امروز ما را غنیمت خود دانستی زود باشد که این غنیمت موجب غرامت (ضرر) تو گردد در هنگامی که نیابی مگر آنچه را که از پیش فرستاده ای، و نیست خداوند بر بندگان ستم کننده، به خدا شکایت می کنیم و بر او اعتماد می نماییم.

ای یزید! هر کید و مکر که داری بکن، هر کوشش که خواهی بنمای، هر جهد که داری به کار گیر، به خدا سوگند هرگز نتوانی نام و یاد ما را محو کنی، وحی ما را نتوانی از بین ببری، به نهایت ما نتوانی رسید، هرگز ننگ این ستم را از خود نتوانی زدود، روزهای قدرت تو اندک و جمعیت تو رو به پراکندگی است، در روزی که منادی حق ندا کند که لعنت خدا بر ستمکاران باد. سپاس خدای را که اول ما را به سعادت و مغفرت ثبت کرد و آخر ما را به شهادت و رحمت فائز گرداند، از خدا می خواهیم که ثواب آنها را کامل کند و بر ثوابشان بیفزاید، و برای ما نیکو خلف و جانشین باشد، که اوست خداوند رحیم و پروردگار ودود، و ما را کافی در هر امری و نیکو وکیل است.



پیراهن خوتین منسوب به حضرت سیدالشهدا

باز شوق یوسنم دامن گرفت
پیرمارا بوی پیراهن گرفت

ای دیخا! نازک آراسی تش
بوی خون می آید از پیراهنش

و اما تو ای حسین!
با تو چه بگویم؟
"شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هائل"

و تو ای چراغ راه، ای کشتی رهایی، ای خونی که از آن نقطه صحرا، جاودان می‌طپی، و می‌جوشی، و در بستر
زمان جاری هستی، و بر همه نسل‌ها می‌گذری، و هر زمین حاصلخیزی را سیراب خون می‌کنی، و هر بذر شایسته
را، در زیر خاک، می‌شکافی و می‌شکوفایی، و هر نهال تشنه‌ای را به برگ و بار حیات و خرمی می‌نشانی،

ای آموزگار بزرگ شهادت!
برقی از آن نور را بر این شبستان سیاه و نومید ما بیفکن، قطره‌ای از آن خون را در بستر خشکیده و نیم مرده ما
جاری ساز، و تقی از آتش آن صحرای آتش خیز را به این زمستان سرد و فسرده ما ببخش.

ای که "مرگ سرخ" را برگزیدی تا عاشقانت را از "مرگ سیاه" برهانی، تا با قطره خونت، ملتی را حیات بخشی، و
تاریخی را به طیش آری، و کالبد مرده و فسرده عصری را گرم کنی، و بدان جوشش و خروش زندگی و عشق و
امید دهی!

ایمان ما، ملت ما، تاریخ فردای ما، کالبد زمان ما

"به خون تو محتاج است"

دکتر علی شریعتی



هر چه که در عشق ثابت قدم تر شوی
 خدا با تو سختگیر تر می شود
 هر قدر که در عاشقی عمیق تر شوی و پاکبازتر
 و هر اندازه که عشقت ناب تر شود و زیباتر
 بیشتر باید پروای خدا را داشته باشی
 زیرا خدا از عشق های پاک و عمیق و ناب و
 زیبا نمی گذرد
 مگر آنکه آن را به نام خودش تمام کند

